

رجال عصر پهلوی » شریف امامی به روایت اسناد ساواک«



■ جعفر شریف امامی: از مجموعه «رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک»، ج ۱۷
■ تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۵، ۸۰+صفحه

• سینا فروش

چکیده

جعفر شریف امامی، از معدود رجال سیاسی عصر پهلوی است که در سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۵۷ شخصیتی قدرتمند و مؤثر در عرصه سیاست و حکومت بوده است. رشد او در گرو موقعیت احمد آرامش و سپس عضویتش در تشکیلات فراماسونری بود. این مهندس فنی به «نخست‌وزیری»، «وزارت»، «ریاست مجلس سنا»، «سناتور» و «وکالت مجلس شورای ملی» رسید. وی در «بنیاد پهلوی» مسئول املاک در تشکیلات فراماسونری «استاد اعظم» بود و با تسلط بر «لژهای ماسونی» آن چه استاد اول می‌گفت، عمل می‌کرد.

او در ردیف اول خائنان و جانیان بی‌شمار رژیم پهلوی قرار می‌گیرد، خاصه آن که در جریان تصویب «کاپیتولاسیون»، مقام ریاست مجلس سنا و در کشتار وسیع مردم در قتل عام «هفده شهریور»، بر صندلی صدارت تکیه زده بود و لکه ننگ دامانش هرگز پاک نشد. با آن که شریف امامی در روزهای پایانی حکومت پهلوی با عنوان «دولت آشتی ملی» به میدان آمد تا با فریب، نیرنگ و خدعه مسیر انقلاب اسلامی را منحرف کند، اما هوشیاری رهبری انقلاب و بیداری مردم، این توطئه را نقش بر آب کرد؛ به طوری که مردم با یقین به اهدافی که دنبال کردند، در برابر حکومت نظامی و کشتار جمعی دوره نخست‌وزیری ۷۰ روزه شریف امامی ایستادند. شرح و تفصیل کارنامه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شریف امامی نیاز به کاری گسترده و همه‌جانبه دارد. آن چه در کتاب یاد شده آمده است، مجموعه اسناد پرونده شریف امامی است. با توجه به این که شریف امامی نه تنها «سوژه» ساواک نبوده، بلکه به دلیل قدرت، موقعیت و نفوذ همه‌جانبه‌اش، ساواک جرأت و امکان جمع‌آوری اطلاعات درباره وی، به خصوص «تشکیلات فراماسونری» را نداشت و تنها گزارشات پراکنده‌ای که به دلایل مختلف به ساواک می‌رسید، در ۲ جلد پرونده تدوین و تنظیم شده بود. مسلماً در مراکز اسنادی دیگر، درباره وی گزارشی وجود دارد که تکمیل‌کننده اسناد حاضر خواهد بود.

مقدمه

اسناد تاریخی بخشی از محتویات بایگانی‌هاست که امروزه از مهم‌ترین منابع پژوهشی است و کلیه مکاتبات سلطنتی، فرمان‌ها، اسناد، معاهدات سیاسی، انواع نوشته‌های اداری و دیوانی، گزارش‌های اقتصادی، فرهنگی و نظامی، اسناد قضایی، مالی و بخشی از مکاتبات خصوصی و خانوادگی است که به طور طبیعی در اثر فعالیت‌ها و عملیات اشخاص و سازمان‌ها به وجود آمده است.

بیشترین اسناد تاریخ ما مربوط به دوران قاجاریه است. اسناد دوران پهلوی هم هنوز کاملاً شناسایی نشده است. از دوران گذشته‌تر چون زندیه، افشاریه و صفویه اطلاع کمی داریم و آن چه هم موجود است، براساس اسنادی است که از لابه‌لای کتاب‌های تاریخ و ادبیات به

دست آمده است. گویی در تاریخ ما به اسناد دسترسی نبوده و یا اصلاً آن را به عنوان خمیرمایه پژوهش تلقی نمی‌کرده‌اند و شاید هم توجه به سنت و فرهنگ شفاهی رونق آن را از بین برده و یا کم‌رنگ کرده است؛ به گونه‌ای که بی‌هقی می‌گوید: «اخبار گذشته را دو قسم گویند که آن را سه دیگر شناسند یا از کسی بیاید شنید و یا در کتابی بیاید خواند».

محتوای کتاب

کتاب «جعفر شریف امامی» جلد هفدهم از مجموعه «رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک» است که به همت وزارت اطلاعات و مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات در بهار ۱۳۸۵ برای اولین بار چاپ و منتشر شد.

دولت شریف امامی را کودتای سفید امریکایی‌ها ساقط کرد و همین

کودتای سفید دولت آقای دکتر امینی را مصدر کار نمود

۵- در بیشتر گزارش‌های ساواک، نظریه‌هایی در ذیل سند ارائه شده که از نظردهنده با کلمات رمز یاد شده است و اسامی امضاهای مندرج در برابر آن‌ها نیز به صورت رمز و مستعار است. کلمات رمز به کار گرفته شده در ابتدای نظریه‌ها که در همه اسناد به صورت ثابت تکرار شده‌اند، معمولاً اسامی روزهای هفته است ...

۶- از حروفچینی سربرگ سندها خودداری و صرفاً به ذکر مقصد، مبدأ، تاریخ، شماره و موضوع آن اکتفا شده است. هم‌چنین نوع طبقه‌بندی سندها (محرمانه، خیلی محرمانه، سری) نیز نیامده است که علت آن، آمدن تصاویر اسناد در صفحات مورد نظر است، به طوری که با مراجعه به سربرگ سندها، اطلاعات مورد نیاز قابل دسترسی است.

۷- در سربرگ سندها، برخی علائم با رمز آمده است؛ از جمله مبدأ و مقصد نامه‌ها و گزارش‌هاست ...

۸- مبدأ یا مقصد نامه‌ها و گزارش‌های مربوط به اداره کل سوم ساواک (امنیت داخلی) نیز به اعداد رمز عنوان شده است ...

بخش اسناد که قسمت اعظم کتاب را دربرمی‌گیرد، شامل اسنادی است از: بیوگرافی جعفر شریف امامی، شخصیت‌ها و رجال سیاسی معاصر با جعفر شریف امامی، روابط خارجی ایران با کشورهای خارجی به‌ویژه آمریکا و شوروی سابق، «تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از تاریخ ۱۳۳۷/۴/۱۶ تا ۱۳۵۷/۹/۱۳»، مجلسین سنا و شورای ملی، تشکیلات فراماسونری و لژهای ماسونی، گروه‌ها و احزاب سیاسی و اجتماعی، سناتورها، نظامیان و ...

از جمله محاسن کتاب فوق‌الذکر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:
۱- این اسناد برای اولین بار چاپ و منتشر می‌شوند و می‌توانند ناگفته‌های زیادی از تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران عصر پهلوی دوم تا پیروزی انقلاب اسلامی را بازگو کنند و پرده از روی بسیاری از حقایق بردارند.

۲- از دیگر محاسن کتاب می‌توان به چاپ عکس اسناد در کنار متن تایپ شده اشاره کرد.

۳- چاپ و نشر این اسناد به صورت کتاب، دسترسی محققان و پژوهشگران حوزه‌های تاریخ و علوم سیاسی را به اسناد بسیار آسان کرده است.

۴- دیگر حسن مجموعه یاد شده، توضیحات مبسوطی درباره برخی از شخصیت‌ها و رجال سیاسی است که در حواشی متن تایپ شده برخی از اسناد آمده است که این امر می‌تواند به فهم رویدادها و وقایع تاریخی کمک قابل توجهی کند.

در مقدمه کتاب اسناد «جعفر شریف امامی» نیز توضیحاتی به شرح ذیل آمده است:

۱- اسناد این کتاب براساس چینش تاریخی منظم شده است.

۲- در تدوین این مجموعه بنای حذف سندی نبوده مگر در این موارد:

الف - سندهای تکراری؛ ب - اسنادی که هم به صورت دست‌نویس و هم به صورت تایپ شده وجود دارند، (از این موارد، سندهای تایپ شده انتخاب شده است)؛ ج - اسنادی که خلاصه گزارش‌های ارسالی پیشین بودند؛ د - اسنادی که درگیرنده مناسبات دور از اخلاق است.

۳- حروفچینی سندها مطابق نگارش اصل بوده و هیچ تغییری در ادبیات آن‌ها داده نشده است، تنها در مواردی که کلمه، تعبیر، تاریخ و یا مضمون سندی اشتباه بوده و در پاورقی تذکر داده شده و یا غلط‌های نوشتاری در [] آورده شده است.

۴- در مورد اعلام، وقایع و یا محتوای هر سند، در صورتی که اطلاعات و توضیحاتی موجود بوده، به صورت پانویس درج شده است.



با کشته شدن حسن علی منصور در بهمن ماه ۱۳۴۳ و جانشینی امیرعباس هویدا، طرح نخست‌وزیری دکتر جلال عبده نیز به بوته فراموشی سپرده شد و از آن پس، شریف امامی در نقش دیگری که استاد اعظم فرماسونری بود، ظاهر شد

بیوگرافی سیاسی جعفر شریف امامی

جعفر شریف امامی فرزند محمد حسین، موسوم به حاج شیخ نظام العلماء، در سال ۱۲۸۹ ش. در تهران به دنیا آمد. پدرش در کسوت روحانیت بود و در دستگاه نظام الاسلام، امام جمعه تهران، خدمت می‌کرد.^۱

جعفر شریف امامی، در مدرسه شریف تهران درس خواند^۲ و پس از سپری کردن دوران ابتدایی، در مدرسه ایران و آلمان ادامه تحصیل داد و سپس به توصیه امام جمعه تهران، به همراه محصلین اعزامی به آلمان - که تعداد آن‌ها را ۳۰ تن نوشته‌اند - به آن کشور رفت و افزون بر ۱۸ ماه در رشته به راه‌آهن، تحصیل کرد. در سال ۱۳۰۹، به ایران بازگشت و پس از استخدام در وزارت راه، در منطقه جنوبی راه‌آهن به عنوان معاون سرکارگر قسمت نصب، مشغول به کار شد و پس از طی مراحل مختلف، به ریاست کل جریه راه‌آهن رسید.

شریف امامی در شهریور ۱۳۲۲، به عنوان یکی از مدافعان آلمان نازی دستگیر شده بود^۳، در سابقه فعالیت‌های شغلی خود، مدیر کل بنگاه مستقل آبیاری، معاونت فنی و عضویت در هیأت مدیره راه‌آهن، معاون وزارت راه و سرپرستی راه‌آهن دولتی را دارا بود و در کابینه حاجعلی رزم‌آرا، ابتدا به عنوان سرپرست وزارت راه و سپس از دوماه و نیم، به عنوان وزیر راه معرفی شد. عمر صدارت رزم‌آرا چندان دوام نداشت و با گذشت ۸ ماه، گلوله استاد خلیل طهماسبی به صدارت وی خاتمه داد و حسین علاء به جای او نشست.

جعفر شریف امامی پس از آن به سازمان برنامه رفت و در سمت‌های مدیر عاملی و ریاست شورای عالی سازمانی برنامه قرار گرفت و در ۳۲/۸/۲۷، جای خود را به ابوالقاسم پناهی داد^۴ و خود در اسفند ماه همان سال، در دوره دوم مجلس سنا، به عنوان سناتور انتخابی تهران، به مجلس سنا رفت.^۵

وی در سال ۱۳۳۵ در ۴۶ سالگی با دختر معظم‌السلطان ازدواج کرد که حاصل آن سه فرزند بود.

با کناره‌گیری حسین علاء از نخست‌وزیری، منوچهر اقبال به جای او نشست و در ۱۵ فروردین ۱۳۳۶ ضمن معرفی کابینه خود، جعفر شریف امامی را به عنوان وزیر صنایع و معادن معرفی کرد.^۶ پس از گذشت مدت کوتاهی، منوچهر اقبال از نخست‌وزیری کناره‌گذاشته شد و جعفر شریف امامی در پنجم شهریور ۳۹ به جای او منصوب شد.^۷

با نخست‌وزیری شریف امامی، برخی اتفاقات صورت گرفت که از مهم‌ترین آن، مبادله پیام بین خروش‌چف و شریف امامی و قطع تبلیغات رادیو مسکو علیه ایران بود. در این بین، احمد آرامش - رهبر گروه سابق ترقی خواهان و شوهر خواهر شریف امامی - از مخالفت با دولت دست کشید و دیگر از مقالات انتقادی او علیه سیاست‌های انگلیس و آمریکا در خاورمیانه که در روزنامه دیپلمات، انتشار یافت، خبری نبود.

وی درباره علت این رفتار سیاسی خود، گفت:

«چون برادرزن وی، نخست‌وزیر است، لذا چنان‌چه حملاتی به سیاست انگلیس و آمریکا بنماید، به حساب دولت خواهند گذاشت.»^۸ وی در اولین روز اسفند ماه سال ۱۳۳۹ به عنوان وزیر مشاور و قائم مقام نخست‌وزیر در سازمان برنامه، به کابینه پیوست.^۹ ولی حضور او در کابینه با شروع خوبی همراه نبود. چرا که از تعویق سفر نخست‌وزیر به شوروی و حتی متنی بودن این سفر به علت پیام کندهی - رئیس جمهور وقت آمریکا - به محمد رضا پهلوی، صحبت شد.^{۱۰}

در همین بنبوحه بود که شایعه برکناری شریف امامی از نخست‌وزیری و جانشینی علی امینی بر سر زبان‌ها افتاد^{۱۱} و هنوز چند روزی از این شایعه نگذشته بود که دبیران و آموزگاران کشور در اعتراض به کمی حقوق دست به اعتصاب زدند و فرهنگیان تهران در میدان بهارستان جمع شدند و تقاضای ترمیم حقوق کردند. برخورد نیروهای پلیس و تیراندازی به سوی آنان باعث کشته شدن یکی از معلمین به نام عبدالحسن خانعلی شد و تشییع پیکر او نیز مبدل به تظاهراتی همراه با سخنرانی‌های تند و بی‌پروا گردید و متعاقب آن، دولت شریف امامی در مجلس شورای ملی استیضاح شد و باعث شد تا او با عصبانیت مجلس را ترک کند و از نخست‌وزیری استعفا دهد و علی امینی مأمور تشکیل کابینه شود.^{۱۲}

احمد آرامش، که در خرداد ماه ۱۳۴۰ تجدید فعالیت گروه ترقی خواهان را اعلام کرده بود، در این باره گفت:

«دولت شریف امامی را کودتای سفید امریکایی‌ها ساقط کرد و همین کودتای سفید دولت آقای دکتر امینی را مصدر کار نموده است.»^{۱۳}



ولی با کشته شدن حسن علی منصور در بهمن ماه ۱۳۴۳ و جانشینی امیرعباس هویدا، طرح نخست‌وزیری دکتر جلال عبده نیز به بوته فراموشی سپرده شد و از آن پس، شریف امامی در نقش دیگری که استاد اعظم فرماسونری بود، ظاهر شد و همواره نام وی به عنوان یکی از کاندیداهای احتمالی نخست‌وزیری، در محافل و مجالس مختلف، مطرح بود.^{۱۹}

جعفر شریف امامی برای بازی در نقش جدید،^{۲۰} برای مدتی، جمعیت طرفدار حکومت متحده جهانی را که دارای خمیرمایه‌های تفکرات ماسونری بود، فعال کرد و در اولین تلاش، عده‌ای از رجال کشوری را برای گردهمایی به باشگاه دانشگاه دعوت کرد.^{۲۱}

روز ۲۸ مرداد ۴۶، شریف امامی به ریاست مجلس سوم مؤسسان رسید. براساس برنامه‌های از پیش تعیین شده، قرار بود مهندس جعفر شریف امامی، ظاهر شود و ریاست تمامی فراماسون‌های ایرانی را به عهده گیرد.^{۲۲} برای این منظور با سید حسن امامی، امام جمعه تهران، قرار گذاشتند تا لژی به نام «لژ اعظم ایران» برای سرپرستی کلیه لژهای وابسته به اسکاتلند، (انگلستان)، فرانسه و آلمان به وجود آورند.^{۲۳} که مقدمه این کار، جمع‌آوری مبلغ ۵۰۰ هزار تومان توسط شریف امامی برای دعوت از عده‌ای از ماسون‌های کشورهای فوق‌الذکر بود.^{۲۴}

در روز دهم اسفند ۱۳۴۷، مجمع عمومی ماسون‌های ایرانی و خارجی با حدود ۳۰۰ نفر شرکت کننده، در هتل ونک به ریاست شریف امامی برگزار شد.^{۲۵} و در همین جلسه، به ریاست لژ بزرگ ایران انتخاب گردید.^{۲۶} پس از آن، شریف امامی به همراه برادرش و عبدالله معظمی - برادر همسرش - برای تعطیلات نوروزی به پاریس رفت.^{۲۷}

محمد رضا پهلوی خوب می‌دانست که برای تسلط کامل بر اطرافیانش، که از عوامل بیگانه بودند، بهره‌برداری این بازی‌های سیاسی ضروری است. بنابراین، از یک طرف انتشار اسناد فراماسونری را دنبال می‌کرد و از طرف دیگر، به تقویت تشکیلات ماسونری مشغول بود؛ برای همین

در این مقطع زمانی، که علی امینی به دستگیری‌های سیاسی روی آورده بود و زمین‌ها برای اصلاحات ارضی امریکایی مهیا می‌شد، گزارشات مختلفی به ساواک رسید که همگی حکایت از تلاش‌های شریف امامی برای نخست‌وزیری مجدد داشت.^{۱۴} در این حال، دولت علی امینی هم، پس از کش و قوس‌های زیاد، ساقط شد و امیر اسدالله علم در ۲۸ تیر ۱۳۴۱ حکم نخست‌وزیری گرفت و شریف امامی به جای او رئیس بنیاد پهلوی شد. پس از آن، در انتخابات فرمایشی شهریور ۱۳۴۲، شریف امامی هم از طرف کنگره آزاد زنان و آزاد مردان به عنوان نماینده مجلس سنا معرفی شد.

در این موقع، حسنعلی منصور کانون مترقی را به حزب ایران نوین تبدیل کرده و انتخابات دوره ۲۱ را به نفع خود به پایان برده بود و برای دریافت حکم نخست‌وزیری و تشکیل دولت حزبی لحظه‌شماری می‌کرد، اما شایع شد که شریف امامی مشغول فعالیت برای تشکیل حزب جدیدی است و سه نفر را نیز مأمور تهیه اساسنامه آن کرده است و عده‌ای از اعضای جبهه ملی و حزب سابق ایران نیز با حزب وی همکاری خواهند کرد.^{۱۵}

در شهریور ماه ۱۳۴۳، حزب شریف امامی با عنوان «جمعیت ایرانی طرفدار حکومت جهانی» شکل گرفت و هیأتی هفت نفره، متشکل از: شریف امامی، احمد آرامش، متین دفتری، جلال عبده، محمد سجادی، خواجه نوری و اشرف احمدی، به سازماندهی آن مشغول شدند و جلسات آن را در روزهای دوشنبه در محل مجلس سنا تشکیل دادند.^{۱۶}

پس از انتخابات، اعضای شورای عالی جمعیت طرفدار حکومت جهانی، شریف امامی به ریاست رسید و غلامرضا کیان و فرهودی به ترتیب به عنوان نایب رئیس اول و دوم معرفی شدند.^{۱۷}

پس از این اقدام، دکتر جلال عبده با حمایت شریف امامی و سایر اعضای جمعیت، به تلاش برای نخست‌وزیری مشغول شد.^{۱۸}

محمد رضا پهلوی خوب می‌دانست که برای تسلط کامل بر اطرافیانش، که از عوامل بیگانه بودند، بهره‌برداری از بازی‌های سیاسی ضروری است. بنابراین، از یک طرف انتشار اسناد فراماسونری را دنبال می‌کرد و از طرف دیگر، به تقویت تشکیلات ماسونی مشغول بود

او که مجدداً بوی نخست‌وزیری به مشامش رسیده بود، در حالی که اعلامیه کانون و کلا در اعتراض به جو قضایی و وجود شکنجه در ساواک، منتشر شده بود^{۳۳}، مانند دوره‌های گذشته، مجدداً به ریاست مجلس سنا رسید^{۳۴} و در جلسه شورای عالی فراماسونری، به درجه سی و سومی در کارگاه برین صعود کرد^{۳۵}؛ در همین حال جرقه‌های انقلاب اسلامی در حال شعله‌ور شدن بود. در روز پانزدهم مرداد ۱۳۵۶ دوره سیزده ساله نخست‌وزیری هویدا، پایان یافت و جمشید آموزگار به جای او نشست.

گسترده‌ی انقلاب و پیام‌های فراگیر حضرت امام خمینی(ره) و رشادت و جانبازی مردم، رژیم را به ستوه آورد و کابینه دوباره تغییر کرد.^{۳۶} شریف امامی، در پنجم شهریور، برای نجات رژیم پهلوی، برای بار دوم پا به عرصه نخست‌وزیری گذاشت و در اعلامیه‌ای که از طریق رسانه‌های گروهی در خارج و داخل ایران انتشار داد، به بسیج نیروهای ملی، مبارزه پیگیر، مستمر و همه‌جانبه با فساد، تعقیب مأموران اجرایی حوادث اخیر، رفع تجمل‌پرستی اداری اشاره کرد و در انتها گفت:

«اینک که خطراتی مهلک میهن ما را تهدید می‌کند، همه بپاخیزند تا همه با هم در فروغ جهان‌گیر قرآن و تعالیم عالیه اسلام و در قلمرو قانون اساسی به نجات مملکت همت بندیم تا در این گذرگاه خطیر تاریخی، در پیشگاه تاریخ وطن و نسل‌های آینده سرافکننده نباشیم.»^{۳۷}

وی پس از این اعلامیه، تاریخ شاهنشاهی را ملغی تمام کاباره‌ها و کازینوها را تعطیل کرد و نام دولت خود را آشتی ملی نهاد. این عوام‌فریبی به پایه‌ای مضحک بود که تعدادی از افسران بازنشسته ارتش در کافه تریای هتل پالما گفتند:

«شریف امامی شخصی است متملق و چاپلوس و تغییر سال هجری شمسی به سال شاهنشاهی، از اقدامات او و مهندس ریاضی می‌باشد.»^{۳۸}

ولی کشتار مردم در روز هفدهم شهریور ۵۷، که جمعه سیاه لقب گرفت، مسأله‌ای نبود که گذشت از آن کار آسانی باشد.^{۳۹} با گذشت ۷۰ روز از دولت شریف امامی، حامیان محمد رضا پهلوی - آمریکا و انگلیس و ... به او فهماندند که چاره کار دولتی نظامی است تا با شدت عمل بیشتر بر انقلاب اسلامی فائق آید؛ برای همین، در روز چهاردهم آبان ۵۷، شریف امامی جای خود را به غلام‌رضا ازهارای داد. در هفته اول دی‌ماه، عمر دولت نظامی نیز به پایان رسید و شاهپور بختیار به جای او نخست‌وزیر شد. زمانی که دیگر امیدی به نجات رژیم پهلوی نبود، شریف امامی نیز مانند بسیاری از رجال دیگر شاهنشاهی به همراه نشان‌های مختلفی که از شاه و دیگر کشورها دریافت کرده



بود که در کنگره سالانه باشگاه لاینیز، ۱۹ تا ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۷، شریف امامی را حامل پیام خود کرد.^{۲۸} محمد رضا پهلوی در روز دوم تیرماه سال ۱۳۴۹، به کشورهای فنلاند و رومانی و سوئد مسافرت کرد و پس از بازگشت، ضمن سؤال از او در رابطه با لژ بزرگ ایران، گفت:

«وضع در چه حال است. این پول‌دارها و گردن‌کلفت‌ها که هستند؟ چه می‌گفتند؟ پول جمع کنید، ساختمان بسازید، زمین را هم من می‌دهم.»

برای احداث ساختمان فراماسونری، ۹ میلیون تومان هزینه برآورد شد که بنابر نقل، ۴ میلیون آن توسط محمدرضا پهلوی، ۲ میلیون توسط امیرعباس هویدا و ۵۰۰ هزار تومان هم توسط جمشید یگانگی تأمین شد.

جعفر شریف امامی از جمله فراماسونرهایی بود که از تشکیلات فراماسونری حقوق دریافت می‌کرد^{۲۹} و به‌عنوان استاد اعظم لژهای ایرانی، با استادان اعظم لژهای جهانی رابطه داشت.^{۳۰} وی علاوه بر ریاست لژ بزرگ ایران، ریاست گراند لژ تهران^{۳۱} و عضویت در هیأت مدیره انجمن طرفداران حکیم زکریای رازی را نیز عهده‌دار بود.^{۳۲} مقام و موقعیت شریف امامی به پایه‌ای رسیده بود که نه تنها ساواک، که حتی محمد رضا پهلوی نیز قدرت آن را نداشت تا بتواند در جایگاه و پایگاه او تغییر ایجاد کند، با توجه به همین موقعیت بود که در سال ۱۳۵۴ - که با شرایطی خاص آغاز شده بود و حکومت‌گران ایران دربارهٔ حق مردم داد سخن می‌دادند - شریف امامی نیز به فکر مردم افتاد؟!



- بود، ایران را ترک کرد و به سوی اروپا رفت. در خصوص خروج وی از کشور گفته شد:
- «با وجودی که شریف امامی ممنوع الخروج و تحت تعقیب بود، به دستور بختیار و با وساطت منوچهر آریانا از ایران فرار کرده است.»^{۴۰}
- شریف امامی به امریکا رفت و در نیویورک اقامت گزید و ۲۰ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ۲۶ خرداد ۱۳۷۷ در همان جا مرد و در گورستانی در حومه نیویورک به خاک سپرده شد.
- پی‌نوشت‌ها:**
۱. سند ۶۶/۳/۲ ب - ۱۳۳۷/۴/۱۶ به نقل از جعفر شریف امامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱۷ (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۵) ص ۱۰ و ۹.
 ۲. خاطرات شریف امامی، دانشگاه هاروارد، ص ۱.
 ۳. روزشمار تاریخ ایران، باقر عاقلی، ج ۱، ص ۳۵۷.
 ۴. همان جا، ج ۲، ص ۲۳.
 ۵. همان جا، ص ۳۱.
 ۶. همان جا، ص ۷۵، نام این وزیرتخانه در آن زمان «اقتصاد ملی» بود.
 ۷. همان جا، ص ۱۱۱.
 ۸. سند ۳۹/۷/۲۵-۳۸۴۱/۳/۲ به نقل از جعفر شریف امامی به روایت اسناد ساواک، ص ۱۶.
 ۹. روزشمار تاریخ ایران، جلد ۲، ص ۱۱۸.
 ۱۰. سند ۵۹۲۱/۳/۳-۱۳۳۹/۱۲/۱۰ به نقل از جعفر شریف امامی به روایت اسناد ساواک، ص ۱۸.
 ۱۱. همان جا، سند ۱۴/۵۴۷-۱۳۴۰/۲/۳، ص ۲۴.
 ۱۲. روزشمار تاریخ ایران، ج ۲، ص ۴-۱۲۳.
 ۱۳. سند ۲۰۹۲-۳۱۶-۱۳۴۰/۵/۱۹ به نقل از جعفر شریف امامی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۸ و ۲۹.
 ۱۴. همان جا، سند ۳۱۲/۵۱۸۹-۱۳۴۰/۱۱/۱۰، ص ۳۷.
 ۱۵. همان جا، سند ۳۰۷۴۱-۳۲۲/۳-۴۲/۸/۲۱، ص ۸۸.
 ۱۶. همان جا، سند بدون شماره - ۴۳/۶/۵، ص ۱۰۲.
 ۱۷. همان جا، سند ۲۰/۱۵۲۵۶ الف - ۴۳/۹/۸، ص ۱۲۱.
 ۱۸. همان جا، سند ۳۰۲/۱۸-۴۳/۹/۳۳، ص ۱۲۰.
 ۱۹. همان جا، سند ۲۱۵۲/۳۰۰ الف - ۴۴/۱۱/۳۰، ص ۱۵۸.
 ۲۰. همان جا، سند ۳۲۶/۱۱۱۵۷-۴۲/۱۲/۲۳، ص ۱۳۳.
 ۲۱. همان جا، سند ۳۰۰/۹۷۴ الف - ۴۴/۱۰/۱۲، ص ۱۵۶.
 ۲۲. همان جا، سند ۳/۵۱۳۸ هـ - ۴۷/۱/۱۱، ص ۲۲۲.
 ۲۳. همان جا، سند ۲۰/۶۳۲۶ هـ - ۴۷/۲/۲۱، ص ۲۲۳.
 ۲۴. همان جا، سند ۲۰/۶۵۸۹ هـ - ۴۷/۳/۲۲، ص ۲۲۹.
 ۲۵. همان جا، سند ۵۰۳۹ هـ - ۴۷/۱۲/۱۱، ص ۲۹۳.
 ۲۶. همان جا، سند ۲۰/۳۸۲۰۲ هـ - ۴۸/۱/۲۶، ص ۳۰۹.
 ۲۷. همان جا، سند ۵۰-۴۸/۱/۲۰، ص ۳۰۴.
 ۲۸. همان جا، سند ۱۰/۹۰۲۳ هـ - ۴۸/۳/۱۸، ص ۳۲۷.
 ۲۹. همان جا، سند ۲۰/۱۱۱۵۵۹ هـ - ۵۲/۹/۲۴، ص ۴۶۸.
 ۳۰. همان جا، سند ۲۰/۱۱۱۵۸۰ هـ - ۵۲/۹-۲۴/۲۱، ص ۴۶۸.
 ۳۱. همان جا، سند ۳۲۱/۴۳۶-۵۱/۲/۲۸، ص ۴۲۲.
 ۳۲. همان جا، سند ۲۰/۶۰۶۲۰ هـ - ۴۲/۳/۴-۲۱، ص ۱۰۲.
 ۳۳. روزشمار تاریخ ایران، ج ۲، ص ۳۲۱.
 ۳۴. سند بدون شماره ۵۶/۷/۱۹.
 ۳۵. سند بدون شماره ۵۶/۹/۱.
 ۳۶. سند ۲۰/۹۵۲۹۰ هـ - ۵۷/۶/۱ به نقل از جعفر شریف امامی به روایت اسناد ساواک، ص ۵۳۷.
 ۳۷. روزشمار تاریخ ایران، ج ۲، ص ۳۵۶.
 ۳۸. سند ۲۰/۵۰۸۸۷ هـ - ۵۷/۶/۱۶ به نقل از جعفر شریف امامی به روایت اسناد ساواک، ص ۵۴۳.
 ۳۹. روزشمار تاریخ ایران، ج ۲، ص ۳۶۱.
 ۴۰. همان جا، ص ۴۱۱.